



Linguistic Research in the Holy Quran.
Vol. 13, No. 1, 2024
Research Paper

**A New Approach in the Semantics of the word "Kabad"
according to Verse 4 of Surah Balad**
**Mojtaba Noruzi*¹, Mohammad Ali Kazemitabar², Fatemeh Sheikh
Momeni³**

Assistant Professor of the Department of Qur'anic Sciences and Tafsir, Holy
Quran University of Sciences and Education - Mashhad, Iran
Assistant Professor of Theology Department, Farhangian University,
Tehran, Iran
Graduated from Mashhad Faculty of Quranic Sciences, Mashhad, Iran

Abstract

Verse 4 of Surah Balad refers to how man was created: "We did create man in the "Kabad"." An accurate understanding of this verse requires a precise decipherment of the word "Kabad". Most later translators and commentators have translated the word as "suffering and hardship" and the verse as follows: "God created man in suffering and hardship." Accordingly, the meaning of the verse is that man in life has to endure many hardships and sufferings. Now the question arises as to whether this negative view of human creation does not cause him to despair in life. Does this concept correspond to verses such as "We created man in the best calendar" and basically to the mercy and wisdom of God? These questions reinforced the hypothesis of another meaning of the word "Kabad" and another understanding of the verse. Therefore, in the present study, we studied the semantics of the word "Kabad" based on dictionaries, old and new interpretations, the narrations of the Infallibles (AS), and the historical study of this word in Hebrew and religious texts of the Torah and the Bible. Using contextual and structural methods and referring to interpretive and narrative documents and thematic study of verses related to human creation, it became clear that the main meaning of the word "Kabad" is stability, balance, and consistency. Therefore, the verse refers to human creation in "proportion and balance and consistency", and by combining the meanings of the word "Kabad", a new understanding of the verse about the creation of man can be achieved.

Keywords: Surah Balad, Kabad, Proportion and Balance, Suffering and Hardship.



This is an open access article under the CC- BY 4.0 License ([Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License](https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/)).



<https://doi.org/10.22108/NRGS.2023.137276.1862>

مقاله پژوهشی

رهیافتی جدید در معناشناسی واژه «کَبَد» با توجه به آیه ۴ سوره بلد

مجتبی نوروزی^{۱*}، محمدعلی کاظمی تبار^۲، فاطمه شیخ مؤمنی^۳

۱- استادیار گروه علوم قرآن و تفسیر، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم مشهد، مشهد، ایران

m.noruzi@quran.ac.ir

۲- استادیار گروه الهیات، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران

m.a.kazemitabar@cfu.ac.ir

۳- دانش آموخته کارشناسی ارشد، دانشکده علوم قرآنی مشهد، مشهد، ایران

sheikhmomeni1360@gmail.com

چکیده

آیه ۴ سوره بلد، درباره چگونگی خلقت انسان می‌فرماید: «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ». فهم عمیق این آیه، نیازمند رمزگشایی دقیق از واژه «کَبَد» است. بیشتر مترجمان و مفسران متأخر، معنای این کلمه را تنها به «رنج و سختی» اشاره و آیه را این‌گونه ترجمه کرده‌اند: «خداوند انسان را در رنج و سختی آفریده است»؛ اما آیا این نگاه تک‌بعدی منفی به آفرینش انسان، سبب ناامیدی او در زندگی نمی‌شود؟ آیا این مفهوم با رحمت و حکمت پروردگار تناسب دارد؟ طرح این سؤالات، فرضیه وجود معنای دیگری از واژه کبد و فهم دیگری از آیه را تقویت می‌کند.

بنابراین، در پژوهش پیش رو با هدف دستیابی به معنایی جدید از واژه «کَبَد» و به دنبال آن کشف مفهومی متفاوت از آیه، به بررسی معناشناختی واژه «کَبَد» براساس لغت‌نامه‌ها، تفاسیر قدیم و جدید، روایات معصومان(ع) و تحلیل تاریخی این واژه در زبان عبری و متون دینی تورات و انجیل پرداخته و با کمک سیاق‌شناسی و ساختارشناسی و مستندات تفسیری و روایی و بررسی موضوعی آیات مربوط به خلقت انسان، به این نتیجه رسیده است که: ضمن احترام به مفسران متقدم که تنها از واژه کبد معنای رنج و سختی برداشت کرده‌اند، معنای دقیق‌تر واژه کَبَد در این آیه، «استواری، راست‌قامتی، اعتدال و قوام» است و بر این اساس، ترجمه آیه این‌گونه پیشنهاد می‌شود: «انسان را راست‌قامت، دارای تناسب اندام و معتدل آفریدیم»؛ از این رو، با جمع میان معانی واژه کَبَد، می‌توان به فهم جدیدی از آیه درباره خلقت انسان دست یافت.

واژگان کلیدی: سوره بلد، کبد، راست‌قامتی و تعادل، رنج و سختی.

۱- طرح مسئله

این رو، دامنه مباحث و موضوعات مربوط به او بسیار گسترده است. یکی از موضوعات مهم در این زمینه، بحث خلقت انسان است. خداوند بلندمرتبه در ۳۰ آیه از قرآن

انسان به‌عنوان اشرف مخلوقات، مخاطب اصلی قرآن کریم و محوری‌ترین موضوع این کتاب آسمانی است؛ از

و بررسی عمیق‌تر تاریخی، حقیقت معنای آیه به دست آید.

۱-۲- پیشینه پژوهش

در میان مقالات و پژوهش‌های قرآنی ارائه شده با موضوع «واژه کبد» در آیه ۴ سوره بلد، دو مقاله در این زمینه نگاشته شده است. مقاله اول: با عنوان «تحلیلی بر معناشناسی واژه کبد در قرآن کریم با الهام از روش ایزوتسو» (اسدی، غلامی، نصرتی، ۱۳۹۵) تنها به بررسی معناشناختی این واژه از طریق ابزارهای لغت‌شناسی، بافت متنی و سیاق، واژگان هم‌معنا و متضاد پرداخته و بدون مراجعه به تفاسیر، روایات و متون تاریخی گذشته، نتیجه گرفته است که «واژه کبد مغایر مفهوم متداول، معنای منفی در بر ندارد و به محدودیت‌های عالم ماده و حکمت الهی در اختیار انسان اشاره دارد»؛ بنابراین، مقاله مذکور تنها در زمینه معنای لغوی واژه کبد که در بخش هشتم این پژوهش به آن اشاره شده، هم‌راستا است و در سایر موارد تحقیقی، با رویکرد این مقاله متفاوت است.

مقاله دوم: با عنوان «بررسی و نقد نظریه رنجمندی انسان با تأکید بر تحلیل آیه چهارم سوره بلد» گرامی، غلام حسین، ۱۴۰۰) دو دسته آیات را در قرآن کریم بررسی می‌کند. دسته نخست، آیات با محوریت آیه ۴ سوره بلد و استناد به نظریه مفسران، غلبه رنج در زندگی را به ظاهر تأیید می‌کند. دسته دوم به آیاتی استناد می‌کند که دائماً نعمت‌های گوناگون و وسعت رحمت الهی را متذکر می‌شود - با توجه به اینکه بهره مندی از هر نعمتی لذتی را به دنبال دارد - چهره زیبا و لذت‌بخش از زندگی را پیش رو می‌گذارد. با تحلیل موضوعی آیات و برای جمع بین این دو دسته براساس دلایل عقلی و نقلی، سه راهبرد پیشنهاد شده است: تفکیک بین رنجمندی و احاطه رنج‌ها در زندگی، غلبه نعمت‌ها بر رنج‌ها و اصل ذومراتب بودن لذت و رنج، و درنهایت، ادعا شده است که براساس آموزه‌های قرآنی، دلایل عقلی و فلسفی و

کریم به این موضوع پرداخته که یک مورد آن، آیه ۴ سوره بلد است که می‌فرماید: «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ» خداوند در این آیه، خلقت انسان در «راستقامتی، قوام و تعادل» را بیان می‌کند.

با این حال، بیشتر مترجمان و مفسران متأخر، واژه - «کبد» را «رنج و سختی» معنا کرده و معتقدند منظور خداوند در این آیه بیان این حقیقت است که خلقت انسان توسط خداوند به گونه‌ای است که ناگزیر از تحمل سختی‌ها و مشکلات است. از جمله مفسر بزرگ شیعه علامه طباطبایی در *المیزان* در توضیح این آیه می‌گوید: «این تعبیر که "خلقت انسان در کبد است" به ما می‌فهماند که رنج و مشقت از هر سو و در تمامی شؤون حیات بر انسان احاطه دارد و این معنا برهیچ خردمندی پوشیده نیست. او هیچ نعمتی را به دست نمی‌آورد مگر آمیخته با ناملایماتی که عیشش را منقص می‌دارد و نعمتی مقرون با جرعه‌های اندوه و رنج، علاوه بر مصائب دهر و حوادث ناگواری که چون شرنگی کشنده‌ای کام جاننش را تلخ می‌کند» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲۰، ص ۴۸۸).

این برداشت از آیه که شاید به خاطر معنای اولیه رنج و سختی واژه کبد در بیشتر لغت‌نامه‌هاست، وجود ناملایمات بسیار در مسیر حیات انسان، را به‌عنوان معنای آیه به ذهن هر مخاطبی وارد می‌کند. از سوی دیگر، با توجه به مفهوم رنج و سختی که در خود دارد، می‌تواند نگرش انسان نسبت به آفرینش خود را منفی کند و یأس و ناامیدی را در زندگی به وجود آورد. همچنین، این سؤال را در ذهن انسان به وجود می‌آورد که آیا خداوند عادل مهربان حقیقتاً انسان را در رنج و زحمت آفریده است.

برای یافتن پاسخ صحیح و دقیق و حقیقت مقصود الهی، ابتدا باید معانی این واژه در کتب لغت بررسی شود، سپس با دقت به سیاق آیه در قرآن کریم و مقایسه آن با آیات دیگری که به موضوع خلقت انسان اشاره دارد و همچنین، مراجعه به تفاسیر مختلف ذیل آن در کنار تحقیق

شواهد وجدانی، لذت‌ها حتی در زمان ابتلا به رنج‌ها غلبه دارند. این مقاله در همان دسته‌بندی اولیه، آیه ۴ سوره بلد را مطابق نظریه بیشتر مفسران با مفهوم رنج و سختی در زندگی انسان تأیید کرده است که مخالف فرضیه ما در این پژوهش است.

۲- معنای لغوی واژه «کَبَد»

با بررسی سیر تطوّر معنایی واژه «کَبَد» در لغت‌نامه‌های مختلف می‌توان این‌گونه بیان کرد که: واژه «کَبَد» در متون مختلف به دو صورت «کَبَد» و «کَبَد» آمده است.

واژه «کَبَد» را: جگر سیاه در بدن، که همان کبد است؛ درد کبد؛ میانه و وسط هر چیز؛ میانه و وسط بدن، وسط آسمان و معنای از این جنس گفته‌اند که به عضو انسان یا میانه و وسط هر چیز دلالت دارد (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۵، ص ۳۳۴؛ ازهری، ۱۴۲۱ق، ج ۱۰، ص ۷۴؛ ابن‌فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۵، ص ۱۵۳؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۶۹۵) یا در بعضی کتب لغت به غلظت و شدت (به سبب ماهیت جگر سیاه) ترجمه کرده‌اند (ازهری، ۱۴۲۱ق، ج ۱۰، ص ۷۴؛ ابن‌فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۵، ص ۱۵۳). باید توجه داشت در آیه مذکور واژه «کَبَد» مدنظر است نه «کَبَد» و معنای چون: کبد انسان، درد کبد، غلظت و شدت، که برای واژه «کَبَد» بیان شده است، معنای مدنظر این واژه در آیه مورد بحث نیست؛ اما متأسفانه برخی لغویون و مفسران معنای «کَبَد» را به اشتباه برای واژه «کَبَد» در نظر گرفته و به همین سبب، از آیه معنای شدت و سختی برداشت کرده‌اند.

به نظر می‌رسد لغت‌شناسان بین واژه «کَبَد» و «کَبَد» (به معنی جگر سیاه) ارتباط دیده‌اند. آنان واژه اول را همان‌طور که گفته شد به معنی شدت و سختی می‌دانند و دومی را گویا به این دلیل که اندامی از بدن انسان است و خون «غلیظ» و «سخت» وارد آن می‌شود، به این نام خوانده‌اند. راغب اصفهانی در کتاب *مفردات*، کَبَد را «درد کَبَد» نیز معنی کرده است. به عبارت دیگر، گویا در زبان

عربی، با گذشت زمان، درد یک عضو بدن، به درد معنای عام آن تغییر معنی داده است؛ اما درخور ذکر است واژه مدنظر در این آیه، «کَبَد» و مشتقات آن نخواهد بود؛ البته در کنار این معنای، معنی «رنج و زحمت و سختی و شدت» نیز بیان شده است (رک: فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۵، ص ۳۳۴؛ ازهری، ۱۴۲۱ق، ج ۱۰، ص ۷۴؛ ابن‌فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۵، ص ۱۵۳؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۶۹۵) که تفصیل آن در ادامه خواهد آمد.

۳- معنای اصطلاحی واژه «کَبَد»

برای معنای اصطلاحی واژه «کَبَد» با توجه به آیه ۴ سوره بلد، در کتب لغت دو دسته معنای متفاوت، بیان شده است:

الف- سختی و رنج و شدت؛

ب- راست‌قامتی و تعادل و استقامت.

۳-۱- معنای سختی و رنج و شدت

نخستین بار مؤلف *جمهره اللغه* در قرن ۴ (ابن‌درید، ۱۹۸۸، ج ۱، ص ۳۰۰) و بعد از او صاحب *مقاییس اللغه* در اواخر قرن ۴ (ابن‌فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۵، ص ۱۵۳)، سپس نویسنده *مفردات* در قرن ۶ (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۶۹۵) و نیز مؤلف *مجمع البحرین* در قرن ۱۱ (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۱۳۶) و در عصر حاضر نیز نویسندگان کتاب *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم* (مصطفوی، ۱۴۳۰ق، ج ۱۰، ص ۱۳) و *قاموس قرآن* (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۶، ص ۷۲) واژه کَبَد در آیه ۴ سوره بلد را به معنای رنج و سختی بیان کرده‌اند؛ البته فراهیدی در کتاب *العین* خود (۱۴۰۹ق، ج ۵، ص ۳۳۴) در قرن دوم تنها به معنای لغوی «کَبَد» که رنج و سختی است، اشاره می‌کند و به معنای اصطلاحی آن در قرآن کریم اشاره‌ای نمی‌کند. او در توصیف معنای لغوی این واژه می‌گوید:

معنای کَبَد مشقت و سختی است. ایشان در کارشان در زحمت و سختی هستند؛ چنانچه لیبید گفت: ای چشم

يُكَابِدُ أَمْرَ الدُّنْيَا وَ أَمْرَ الآخِرَةِ»؛ او را راست قامت و معتدل خلق کردیم و منظور از «فی کبد» این است که: او خلق شده است تا امر دنیا و آخرت را سامان دهد.

همچنین، منذری به نقل از ابوطالب می‌گوید: «الْكَبْدُ: الاستواء و الاستقامة: استقامت، برابری و اعتدال». زجاج نیز درباره معنای این آیه می‌گوید: «این آیه جواب قسم است؛ یعنی به اینها قسم می‌خورم که انسان را در استواری آفریدم تا امر دنیا و آخرتش را سامان دهد. كَبَدَ: أَى خُلِقَ الْإِنْسَانُ فِي بَطْنِ أُمِّهِ وَ رَأْسِهِ قَبْلَ رَأْسِهَا فَإِذَا أَرَادَتْ أُمَّهُ الْوَلَادَةَ انْقَلَبَ الرَّأْسُ إِلَى أَسْفَلٍ. فَي كَبَدَ: يَعْنِي إِنْسَانَ فِي شَكْمِ مَادَرِشِ خُلِقَ شَدَّ، فِي الْحَالِي كَمَا سَرَشَ فِي سَمْتِ سَرِ مَادَرِشِ قَرَارَ دَاشَتْ؛ پس هنگام زایمان سرش از بالا به پایین چرخد» (زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۵، ص ۲۱۸).

باید گفت اشتباه بسیاری از لغویون که برای واژه «كَبَدَ» معنای رنج در نظر گرفتند، این بوده است که «یکابد» را به زحمت انداختن ترجمه کردند؛ اما باید توجه داشت اگر معنای تناصب را در نظر بگیریم، معنای آن سامان دادن خواهد شد. ابن‌سیده در المحکم و المحيط الأعظم (۱۴۲۱ق، ج ۶، ص ۷۶۲) و ابن‌منظور در لسان العرب (۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۳۷۵) درباره معنای کبد در آیه مذکور گفته‌اند: «خلقت انسان در کبد: یعنی انسان راست قامت خلق شده به روی پاهایش راه می‌رود، ولی حیوانات به روی دو پا راه نمی‌روند».

از آنجا که معنای لغوی واژه «كَبَدَ» رنج و سختی است و نیز انسان در ظرف دنیا خلق شده و با مشکلات زیادی روبرو است، بیشتر لغویون بدون در نظر گرفتن معنای اصطلاحی واژه در آیه مذکور که انتصاب و اعتدال و قوام در خلقت است، تنها معنای رنج و سختی را بیان کرده‌اند؛ اما برای جمع میان دو دسته معنای مختلف از این آیه می‌توان گفت: خداوند انسان را راست قامت و متناصب و متعادل و در قوام خلق کرده است؛ ولی در دنیا سختی‌ها و رنج‌های فراوان او را فرا گرفته است؛ چنانکه صاحب کتاب التحقیق می‌گوید: «أَمَا عَلَتْ خَلْقَتِ إِنْسَانَ فِي كَبَدَ:

چرا گریه نکردی در سختی، زمانی که ایستادیم و ایستادند دشمنان در سختی. او برای اولین بار این بیت از «لبید» - از شعرای بزرگ عصر جاهلیت که در سال ۴ هجرت اسلام آورد - را در العین آورد تا دلیلی برای معنای رنج و سختی از واژه کبد بیان کند؛ اما درباره معنای واژه کبد در آیه ۴ سوره بلد هیچ مطلبی نگفته است. بعد از او، بعضی لغویون با استناد به همین بیت شعر، معنای رنج و سختی را برای آیه مذکور بیان کرده‌اند.

جالب این است که سیوطی برای ذکر معنای دیگر واژه کبد در آیه ۴ سوره بلد، به نظر ابن‌عباس استناد می‌کند که معتقد است کبد در این آیه به معنای قوام و تناصب است که در اشعار عرب (لبید) به این معنا آمده است: ای چشم چرا بر «اربد» گریه نکردی، آن زمان که ما به پا خواستیم و دشمن در استقامت و قدرت ایستاده بود» (السیوطی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۳۴۷).

بنابراین، با توجه به بیان دو معنای متفاوت از واژه «كَبَدَ» در دو جایگاه مختلف و با استناد به سخن ابن‌عباس که از مفسران متأخر و معتبر است، می‌توان گفت: معنای اصطلاحی این واژه در آیه، «تناصب و قوام» است؛ گرچه بسیاری از لغویون با استناد به این بیت شعر لبید، معنای لغوی واژه را برای معنای اصطلاحی آن نیز به کار برده و نتیجه گرفته‌اند که معنای واژه در قرآن نیز، رنج و سختی است.

۳-۲- راست قامتی و تعادل و قوام

در تهذیب اللغة قرن ۴ (ازهری، ۱۴۲۱ق، ج ۱۰، ص ۷۴) و المحکم و المحيط الأعظم در قرن ۶ (ابن‌سیده، ۱۴۲۱ق، ج ۶، ص ۷۱۰) لغت‌نامه لسان العرب در قرن ۸ (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۳۷۴) و فرهنگ تاج العروس در قرن ۱۳ (زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۵، ص ۲۱۸) برای این آیه، معنای تناصب و تعادل، بیان و منظور آیه این‌گونه بیان شده است:

«خَلَقْنَاهُ مُتَّصِبًا مُتَّعَدِلًا وَ يُقَالُ فِي كَبَدَ: أَنَّهُ خُلِقَ يُعَالِجُ وَ

- کلمه **كَبَدًا** (مکبَد) به معنی محترم و ارجمند است.

- کلمه **كَبَدًا** (نکبَد) به معنی محترم، ارجمند و گرامی و همچنین، به معنی پر و سنگین است. با بررسی موارد مختلف کاربرد واژه «کَبَد» در زبان عبری، می‌توان ادعا کرد این واژه به دو صورت «کَبَد» و «کَبَد» و مشتقات آن استفاده می‌شده که هم معنای فشار و سختی و هم عظمت و بزرگی و محترم‌بودن را داشته است.

۴-۲- کَبَد در تورات

در تورات، نام مادر حضرت موسی، یوکابد «**יְוֹכָבֵד**» ذکر شده است. این نام از دو جزء یو، یهو (יָ) + «کابد» (**כָּבַד**) تشکیل شده است و «جلال گرفته از خدا» یا «خدا با شکوه است» معنی می‌شود (ویلیام گلن، هنری مرتن، ۱۳۷۹، ص ۱۱۴). با توجه به تحقیقات دقیق در زمینه سیر تاریخی واژه کَبَد در تورات و زبان عبری، این واژه در آیه ۴ سوره بلد می‌تواند این‌گونه هم معنا شود: «ما انسان را در جلال و شکوه و عظمت و احترام و کرامت آفریده‌ایم».

۵- بررسی ساختاری آیه ۴ سوره بلد

در این بخش تک‌تک کلمات به‌کاررفته در این آیه بررسی شده‌اند و با توجه به نقش کلمات، معنای دقیق واژه «کَبَد» و مفهوم آیه مشخص خواهد شد.

«لَقَدْ»: لَ: جواب قسم؛ قَدْ: حرف تحقیق؛ «خَلَقْنَا»: فعل ماضی و فاعل؛ «الْإِنْسَانَ»: مفعول به.

اما «فِي كَبَدٍ» براساس اعراب و نقش آن در جمله، دو حالت معنایی را در بردارد.

۱) حالت اول: فی کَبَدٍ، جار و مجرور و متعلق به ظرف محذوف «کان» و نقش آن حال است (عبد الواحد صالح، ۱۹۹۸، ج ۱۲، ص ۴۳۹؛ محی‌الدین، ۱۴۱۵ق، ج ۱۰، ص ۴۸۷) که بر این اساس، ترجمه آیه با توجه به دو معنای مختلف واژه کَبَد در لغت‌نامه‌ها بدین شکل می‌شود: به تحقیق ما انسان را در حالت «ایستاده و

پس همانا انسان با کیفیت خاص (قوام و اعتدال) خلق شده و از مواد عالم طبیعی و نفحات عوالم روحانی ترکیب شده است و استعداد بالارفتن به مقامات عالی را دارد و هرکس که استعداد زیادی در امور و توانایی رسیدن به مراتب بالای کمال را داشته باشد، پس برای به دست آوردن مراتب بلند کمالی چاره‌ای جز تلاش و کوشش زیاد و تحمل سختی‌ها برای رفع موانع موجود و پیش رو ندارد» (مصطفوی، ۱۴۳۰ق، ج ۱۰، ص ۱۳).

۴- بررسی سیر تاریخی واژه کَبَد

یکی از راه‌های فهم صحیح آیه، بررسی تاریخی واژه «کَبَد» در عصر نزول و چگونگی کاربرد آن در متون قدیم است. در این بخش، کاربرد واژه «کَبَد» بررسی تاریخی می‌شود.

۴-۱- کَبَد در زبان عبری

در زبان عبری که با زبان عربی، هم‌ریشه است، کلمه کَبَد (**כָּבַד**) و کلمه‌های هم‌ریشه آن کلمه‌ای پر کاربرد، به‌خصوص در مکاتبات اداری، رسمی، دعوت‌نامه‌ها، تقدیرنامه‌ها و نامه‌نگاری‌ها است. در این میان، البته کلمه «کَابَد» (**כָּבַד**) به معنی جگر سیاه و به معنای سنگین، «عظیم»، سخت، زیاد است و کلمه «کَبَد» (**כָּבַד**) به معنی سنگینی، فشار، سختی، شدت و کثرت نیز هست؛ اما سایر کلمات پر کاربرد و هم‌ریشه با این کلمه و ترجمه آن‌ها براساس فرهنگ عبری - فارسی حییم (حییم، ۱۳۶۰، صص ۱۹۹-۲۰۰ و ۲۵۹ و ۳۳۱) عبارت‌اند از: کلمه **כָּבַד** (کَبود) با اعراب‌گذاری‌های مختلف به معنی احترام، حرمت، عزت، آبرو، افتخار، محترم، گرامی، ارجمند، فاخر و مجلل است.

- فعل **כָּבַד** (کَبَد) به معنی احترام‌گزاردن و محترم‌داشتن است.

- فعل **כָּבַד** (کَبُد) به معنی مورد احترام قرار گرفتن است.

موضوع با رعایت فاصله بعد از چند سوره است» (کرمانی، ۱۳۹۶، ص ۲۵۱).

۶- بررسی سیاق آیه در بافت سوره

خداوند سوره بلد را این‌گونه آغاز می‌کند: «لَأَقْسِمُ بِهَذَا الْبَلَدِ؛ البته سوگند می‌خورم به این شهر، یعنی مکه و چگونه سوگند نخورم؟!» (بلد: ۱). «وَأَنْتَ حِلٌّ بِهَذَا الْبَلَدِ؛ حال آنکه تو به این شهر فرود آمده‌ای» (بلد: ۲). [و با آنکه مکه موضع من و میقات حج و مکان بیت الحرام و محلّ ابراهیم و اسماعیل علیهما السلام نیز هست، این شهر به سبب آنکه محلّ تولد تو در اینجا است، شایسته آن است که به آن سوگند خورم] بعد از آن بر این قسم، مقسم دیگر را عطف می‌کند و می‌فرماید: «وَالِدٍ وَمَا وَلَدٍ؛ سوگند به پدر، یعنی آدم که ابوالبشر است و خلقت او و خلقت فرزندان از نسل او» (بلد: ۳). سپس جواب قسم این است: «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ؛ به درستی که ما آفریدیم آدمی را "فِي كَبَدٍ"» (بلد: ۴). در معنای این آیه با توجه به بیان لغویون دو قول وجود دارد:

قول اول: سختی و رنج و مشقت و شدت امر. شکی نیست در اینکه آدمی به انواع رنج و مشقت در دنیا گرفتار است.

قول دوم: مقسم از ابن عباس روایت کرده که کبد به معنی استوار و استقامت و قوت است؛ یعنی آفریدیم آدمی را منتصب القامه و ایستاده بر هر دو پای خود بر خلاف حیوانات دیگر که ایشان افتاده - روی چهار پا - راه می‌روند؛ بنابراین، انسان که اشرف مخلوقات است و در بهترین صورت توسط خداوند خلق شده، یکی از وجوه برتری او راستی قامتش است.

البته عده‌ای از مفسران معتقدند جنبه قوت و شدت در خلقت انسان، برگرفته از شأن نزول آیه نیز می‌تواند باشد؛ زیرا این آیه درباره «ابو الاشدین» از قبیله بنی‌جمح نازل شده است. مراد به انسان در این آیه «ابو الاشدین» است و کبد به معنی «شدید الخلق و القوه» است؛ یعنی خدای

راست‌قامت» یا «سختی و مشقت» خلق کردیم؛ بدین ترتیب هم معنای راست‌قامتی انسان و هم مواجهه با سختی را دارد.

۲) حالت دوم: «فی کبد» را جار و مجرور و متعلق به ظرف «خَلَقْنَا» بدانیم که ترجمه چنین است: ما انسان را به صورت راست‌قامت و در قوام خلق کردیم؛ زیرا واژه کبد به خلقت انسان از سوی خداوند حکیم اشاره دارد که در نهایت تناسب و قوام است.

نتیجه آنکه در هر دو حالت ساختاری، واژه کبد معنای تناسب و قوام را در خود دارد.

۵-۱- مقایسه ساختاری آیه ۴ سوره بلد با آیه ۴ سوره

تین

از لحاظ ساختاری، شبیه‌ترین آیه در قرآن کریم به آیه «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ» (بلد: ۴) آیه «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ» (تین: ۴) است که با مقایسه دو آیه و با توجه به تحلیل ساختاری بیان‌شده مشخص می‌شود: هر دو آیه بیانگر خلقت انسان از سوی خالق حکیم، در قوام و تناسب و بهترین صورت بوده و هیچ رنج و سختی از طرف خداوند برای خلقت او نبوده است و اگر بعضی مفسرین معنای رنج و زحمت را برای واژه کبد بیان کرده‌اند، به سبب رویارویی انسان با مشکلات و سختی‌های دنیاست و این مشقت متوجه خلقت خداوندی نمی‌شود.

۵-۲- علت تکرار دو آیه

شاید این سؤال مطرح شود که چرا خداوند در دو آیه مختلف یک معنا را تکرار کرده است. پاسخ این پرسش را کرمانی در کتاب *اسرار التکرار فی القرآن* این‌گونه بیان می‌کند: «بین این دو آیه تفاوتی نیست، چنانچه در نظر بیشتر مفسرین این آیه اشاره به تناسب و اعتدال قامت دارد و در آیه دیگر احسن تقویم: بهترین خلقت را بیان می‌کند و علت تکرار برای توجه و تأکید بیشتر به این

مقاله در بخش لغت‌شناسی بیان شد، منظور ما واژه «کَبَد» به معنای راست‌قامتی است که از نظر معنایی با «کَبَد» متفاوت است.

روایت اول: امام رضا، علیه‌السلام، فرمودند: «بدان که "قیام درباره‌ی خداوند" به معنای ایستادن و بر روی پا قرارگرفتن آن‌گونه که اشیا قیام دارند و ایستاده‌اند، نیست؛ بلکه "خداوند" قائم است؛ به این معنا که او حافظ است و تنها خداوند است که حافظ هر فردی است با آنچه کسب کرده است» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۱۲۱).

ایشان در توصیف قائمیت خداوند از واژه «کَبَد» استفاده می‌کنند و توضیح می‌دهند قیام خداوند مثل قیام بشری «فِي كَبَدٍ»، یعنی ایستاده‌بودن نیست؛ بلکه منظور حافظ‌بودن خداوند است؛ بنابراین، آن حضرت برای بیان راست‌قامتی، از واژه کَبَد استفاده کرده‌اند. پس طبق فرمایش امام، واژه «کَبَد» معنای تناصب و قوام را دارد.

روایت دوم: محمد بن مسلم می‌گوید: حضرت صادق، علیه‌السلام، فرمودند: «خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ»؛ یعنی ما انسان را ایستاده در شکم مادرش (سرش به طرف بالا و پاهایش به طرف پایین است) قرار دادیم، غذای او از غذای مادر و آشامیدنی او از آشامیدنی‌های مادر است؛ پس سرش به طرف پایین می‌آید و پاهایش به طرف بالا می‌رود. خداوند برای راحتی مادر و فرزندش این‌گونه خلقت جنین را قرار داده است؛ اما تمام چهارپایان در شکم مادرشان برعکس هستند، سرشان طرف دم مادر و دمشان طرف سر مادر است، چنانچه انسان هنگام زایمان می‌چرخد» (برقی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۳۰۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰، ص ۲۱۵؛ ابن‌شهر آشوب مازندرانی، ۱۳۷۹، ج ۴، ص ۲۵۴).

روایت سوم: حماد بن عثمان از حضرت ابی‌عبدالله، علیه‌السلام، نقل می‌کند که فرمودند: «آدمی در شکم مادر، راست قامت و ایستاده است و به همین سبب است که حق تعالی در قرآن می‌فرماید: «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ»؛

تعالی ابو‌الاشدین را که بسیار قوی و تنومند بود آفرید (فراء، ۱۹۸۰، ج ۳، ص ۲۶۴؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲۷، ص ۹۸، ابن‌عاشور، ج ۳۰، ص ۳۱۰؛ کاشانی، ۱۳۳۶، ج ۱۰، ص ۲۵۰).

او بسیار نیرومند و هیکل‌دار بود؛ طوری که در بازار عکاظ بر روی پوستی می‌نشست و ده نفر آن را از زیر او می‌کشیدند، آن پوست قطعه قطعه می‌شد و او از جای خود بلند نمی‌شد. او ادعا می‌کرد هیچ‌کس از من قدرتمندتر نیست؛ اما او رسول خدا - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ - را اذیت می‌کرد؛ بنابراین، خداوند سبحان از گفته این انسان خبر داد و فرمود: «أَيَحْسَبُ أَنْ لَنْ يَقْدِرَ عَلَيْهِ أَحَدٌ؟» آیا (این کافر قوی و جاحد معاند مثل ابو‌الاشدین یا غیر او از اهل کفر و عناد) گمان می‌کند که هیچ‌کس قادر نیست بر قدرت و توانمندی او غلبه کند؟!». بنابر آنچه از آیات اول تا ششم این سوره بیان شد و با توجه به سیاق آیات که به توانمندی و قدرت انسان اشاره دارد، بهتر است آیه مذکور این‌گونه ترجمه می‌شد: قطعاً انسان را در نهایت قوت و تناصب و راست‌قامتی آفریدیم.

۷- بررسی روایی واژه «کَبَد»

از آنجا که مفسران حقیقی قرآن، معصومان علیهم‌السلام هستند و با برخورداری از علم الهی، آگاهی کامل به باطن قرآن دارند، قطعاً جامع‌ترین تفسیر از آیات قرآن کریم را آنان بیان می‌کنند؛ از همین رو، ابتدا روایات ایشان در این زمینه بررسی می‌شوند.

با بررسی کتب روایی می‌توان گفت در توضیح واژه - «کَبَد» سه روایت به طرق مختلف آمده است که هر سه به «انتصاب و راست‌قامتی» اشاره دارند. شایان ذکر است در بعضی روایات، واژه «کَبَد» با ترکیباتی چون «فِي كَبَدِ السَّمَاءِ» و «فِي كَبَدِ اللَّيَالِي» یا «فِي كَبَدِ الشَّمْسِ» به کار رفته‌اند که معنای میانه و وسط دارد؛ اما چنانچه در ابتدای

موجودی این‌گونه خلق نشده است» (ابن سلیمان، ۱۴۲۳ق، ج ۴، ص ۷۰۱؛ فراء، ۱۹۸۰، ج ۳، ص ۲۶۴؛ قمی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۴۲۳). در تفسیر القرآن العظیم در قرن ۴ نیز به انتصاب و راست‌قامتی انسان اشاره می‌شود و از قول عبدالحمید می‌گوید: «مردی از انصار از امام باقر، علیه‌السلام، از تفسیر این آیه سؤال کرد. حضرت فرمودند: منظور آیه خلقت انسان روی دو پا و در اعتدال استواری است، هیچ‌کس کلام حضرت را انکار نکرد» (ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹ق، ج ۱۰، ص ۳۴۳۳). در تفسیر نورالثقلین ابتدا معنای آیه را تناصب بیان می‌کند، سپس برای اثبات سخنش به روایت امام صادق، علیه‌السلام، که به خلقت جنین انسان در شکم مادر و روایت امام رضا، علیه‌السلام، درباره‌ی ایستاده‌بودن انسان (که در بحث روایی اشاره شد) استناد می‌کند (حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۵، ص ۵۸۰).

همچنین، «تفسیر ادبی و عرفانی قرآن مجید» به تناصب و نیکویی و آراستگی خلقت اشاره می‌کند و می‌گوید: خداوند بر آدمی منت می‌نهد که تو را قد و بالای راست دادم و خلقت و صورت نیکو دادم و به اندام‌های پیدا و ناپیدا بیاراستم، بنگر که نطفه‌ی مهین در قرار مکین (زه‌دان) به چه حد رسانیدم! و به قلم قدرت چگونه نگاشتم، هر عضوی را خلعتی و رفعتی دادم، بینایی به چشم، گفتار به زبان، شنوایی به گوش، گرفتن به دست، خدمت به پای دادم.

چون صورت تو، بت چون قامت تو سرو

نگارند به کِشمر نگارند به کشور

(مبیدی، ۱۳۵۲، ج ۲، ص ۶۱۴)

علاوه بر این، براساس شأن نزول سوره نیز بسیاری از مفسرین معتقدند این آیه درباره «ابو‌الاشدین» از قبیله بنی‌جمح نازل شده و مراد از انسان در این آیه «ابو‌الاشدین» است؛ اما می‌تواند مراد همه انسان‌ها باشد و کبد در این آیه به معنی «شدید الخلق و القوه» است (فراء، ۱۹۸۰، ج ۳، ص ۲۶۴؛ طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۳۰، ص ۱۲۶؛

یعنی: ما انسان را در شکم مادر مستوی القامه آفریدیم، ولی غیر فرزند آدم، اولاد حیوانات در شکم مادر، سرشان در پشت و دو دستشان مقابلشان می‌باشد» (صدوق، ۱۳۸۵/۱۹۶۶، ج ۲، ص ۵۸۵).

در این دو روایت، امام صادق، علیه‌السلام، علت خلقت انسان در کبد را این‌گونه توضیح می‌فرماید که منظور از «کَبَد» ایستاده‌بودن جنین انسان در رحم مادر است، در مقابل جنین حیوانات که در رحم افقی قرار گرفته‌اند؛ بنابراین، براساس روایات رسیده از معصومین، علیهم‌السلام، واژه «کَبَد» تنها به معنای انتصاب و راستی قامت و آیه به خلقت انسان به صورت ایستاده و محکم و روی دو پا اشاره دارد.

۸- بررسی واژه «کَبَد» در تفاسیر

با بررسی بیش از بیست مورد از کتب تفسیری، رویکرد مفسرین نسبت به واژه کَبَد در قرآن کریم به سه دسته تقسیم می‌شود:

دسته اول: تفاسیری که تنها معنای راست‌قامتی و تعادل و توانمندی و قدرت را بیان می‌کنند.

دسته دوم: تفاسیری که هر دو معنای تعادل و رنج را بیان کرده‌اند.

دسته سوم: تفاسیری که تنها رنج و سختی را بیان می‌کنند.

۸-۱- دسته اول: تفاسیر منحصر در معنای راست‌قامتی

و تعادل و توانمندی در خلقت

در قدیمی‌ترین تفاسیر روایی چون «مقاتل بن سلیمان» (از شاگردان امام باقر و امام صادق علیهما‌السلام) و «معانی القرآن» فراء قرن دوم، «علی بن ابراهیم قمی» و «تستری» قرن سوم آمده است:

«لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ! أَيُّ مُنْتَصِبًا وَ لَمْ يُخَلَقْ مُنْكَأً شَيْءٌ؛ یعنی راست‌قامت خلق شده و مانند او

مشقّت از هر سو و در تمامی شئون حیات بر انسان احاطه دارد و این معنا بر هیچ خردمندی پوشیده نیست و هیچ نعمتی را به دست نمی‌آورد؛ مگر آمیخته با ناملایماتی که عیش او را منغص می‌دارد و نعمتی مقرون با جرعه‌های اندوه و رنج، علاوه بر مصائب دهر و حوادث ناگواری که چون شرنگی کُشنده کام جاننش را تلخ می‌کند. ظرف وجودش تعب مظروف او است، هیچ چیزی به دست نمی‌آورد مگر کمتر و ناقص‌تر و ناخالص‌تر از آنچه توقعش را دارد و نتیجه گرفتیم که انسان در اصل خلقتش طوری آفریده شده که خواستش همواره مغلوب و شکست‌خورده و همهٔ امورش مقهور مقدرات است و آن کس که ارادهٔ او را شکست می‌دهد و از هر سو و در هر جهت از جهات و شؤن زندگی‌اش دخل و تصرف می‌کند، خدای سبحان است که از هر جهت بر او قادر است، پس او حق دارد که در انسان به هر نحو که بخواهد تصرف کند و هر وقت خواست او را به عذاب خود بگیرد» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲۰، ص ۴۸۸).

همچنین، در تفسیر نمونه آمده است: «انسان از آغاز زندگی حتّی از آن لحظه‌ای که نطفهٔ او در قرارگاه رحم واقع می‌شود، مراحل زیادی از مشکلات و درد و رنج‌ها را طی می‌کند تا متولّد شود و بعد از تولّد در دوران طفولیت و سپس جوانی و از همه مشکل‌تر دوران پیری، مواجه به انواع مشقّت‌ها و رنج‌ها است و این است طبیعت زندگی دنیا و انتظار غیر آن داشتن اشتباه است اشتباه. نگاهی به زندگی انبیاء و اولیاء الله نیز نشان می‌دهد زندگی این گل‌های سرسبد آفرینش نیز با انواع ناملایمات و درد و رنج‌ها قرین بود، هنگامی که دنیا برای آنها چنین باشد، وضع برای دیگران روشن است» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۷، ص ۱۲).

با توجه به مطالب مذکور درباره واژه «کَبَد» در سوره بلد و با رعایت ادب و احترام نسبت به نظریهٔ مفسّران دستهٔ سوم، به‌ویژه عالم و مفسّر بزرگ علامه طباطبایی، چند نکته تأمل‌پذیر به نظریه اخیر وارد است.

طوسی، بی‌تا، ج ۱۰، ص ۳۵۱؛ طبرسی، ۱۴۱۲ق، ج ۲۷، ص ۹۷؛ ابن‌کتیر، ۱۴۱۹ق، ج ۸، ص ۳۹۳؛ سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۶، ص ۳۵۳؛ طنطاوی، ۱۴۲۲ق، ج ۳، ص ۲۸۷۹؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۵، ص ۳۵۲).

۸-۲- دسته دوم: تفاسیر با بیان هر دو دسته معنای

تناصب و تعادل و سختی و رنج

در این دسته از تفاسیر که بیشتر از اواخر قرن چهارم و اوایل قرن پنجم شروع می‌شوند، غالباً مفسّران روش اجتهادی دارند؛ یعنی در کنار مراجعه به روایات و قرائن، نظرات و دیدگاه‌های خود را نیز بیان می‌کنند. آنها می‌گویند: «آیه دو معنا دارد: یکی انتصاب و راست‌قامتی و تعادل در خلقت است که انسان روی دو پا راه می‌رود برخلاف حیوانات و در شکم مادر هم ایستاده است، دیگری شدت سختی‌هایی که در دنیا و آخرت با آن روبه‌روست و تکالیف مشکل که باید انجام دهد» (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۳۰، ص ۱۲۶؛ طوسی، بی‌تا، ج ۱۰، ص ۳۵۱؛ طبرسی، ۱۴۱۲ق، ج ۲۷، ص ۹۷؛ ابن‌کتیر، ۱۴۱۹ق، ج ۸، ص ۳۹۳؛ سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۶، ص ۳۵۳؛ طنطاوی، ۱۴۲۲ق، ج ۳، ص ۲۸۷۹؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۵، ص ۳۵۲).

۸-۳- دسته سوم: تفاسیر با معنای رنج و سختی

این تفاسیر، غالباً شامل تفاسیر متأخر چون تفسیر المراسی (مراسی، بی‌تا، ج ۳۰، ص ۱۵۷)، تفسیر المیزان (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲۰، ص ۴۸۸)، تفسیر نمونه (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۷، ص ۱۲) و تفسیر احسن‌الحديث (قرشی، ۱۳۷۷، ج ۱۲، ص ۲۳۴) هستند که بدون اشاره به روایات ذیل آیه و بیان نظرات مختلف مفسّرین، تنها به بیان دیدگاه خود پرداخته و معتقدند: «کَبَد» به معنای رنج و خستگی است و آیه به رنج‌ها و سختی‌ها و مشکلات در مواجهه با انسان در مراحل مختلف زندگی اشاره دارد. از جمله صاحب المیزان در این زمینه می‌گوید: «این تعبیر که خلقت انسان در کَبَد است، به ما می‌فهماند که رنج و

نخست: معنای آیه از دیدگاه لغویون و مفسرین دیگر، بررسی نشده است.

دوم: به روایات معصومان، علیهم‌السلام، ذیل این آیه به‌عنوان عالمان به باطن قرآن، مراجعه نشده است.

سوم: رویکرد به آیه تک‌بعدی و تنها نگاه رنج و محنت را دارد؛ بنابراین، تلقی انسان از خلقت، آفرینشی همراه زحمت و رنج و سختی زیاد و ناتوانی و ناچاری از قرارگرفتن در موقعیتی که در آن آفریده شده است، خواهد بود که بار منفی و ناامیدکننده‌ای را در ذهن ایجاد می‌کند.

برای تحلیل دقیق‌تر و صحیح‌تر این نظریه به قسمتی از مقاله «تحلیلی بر معنانشناسی واژه کبد در قرآن کریم با الهام از روش ایزوتسو» اشاره می‌شود: «برخلاف آنچه در ظاهر معنای کبد در بیشتر ترجمه‌ها و تفاسیر دیده می‌شود و از آن معنای سختی و مشقت و رنج و گرفتاری در زندگی انسان از جهت منفی آن فهمیده می‌شود؛ همان‌گونه که در این مقاله ثابت شد، کبد به معنای نوع محدودیت‌ها و نیازهایی است که در نظام خلقت به صورت ذاتی وجود دارد و برای انسان نیز اجتناب‌ناپذیر است؛ بنابراین، معنای منفی ندارد و تعادل را نشان می‌دهد؛ زیرا انسان با توجه به اختیارش می‌تواند مسیر حق را با تحمل مشکلات انتخاب کند و درنهایت، به مقام عالی‌ه راضیه مرضیه برسد».

با این حال، از مجموع نظرات مفسران در این آیه می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که: خداوند در قرآن کریم کیفیت خلقت انسان را در تناسب و راست‌قامتی و تعادل و قوت بیان فرموده و نیز هدف از خلقت او را رسیدن به کمالات و مقامات عالی‌ه اخروی قرار داده و برای رسیدن به این مهم، انسان را در دنیایی مالمال از امتحانات و سختی‌های دشوار خلق کرده است.

۹- بررسی موضوعی خلقت انسان در قرآن کریم

در این قسمت، برای اثبات درستی نظریه معنای «راست‌قامتی و تعادل و قوام» برای واژه «کبد» در آیه ۴

سوره بلد، خلقت انسان در قرآن کریم، بررسی موضوعی می‌شود. خداوند در ۳۰ آیه از آیات قرآن کریم از خلقت انسان سخن گفته است. این آیات به سه دسته کلی تقسیم می‌شوند.

۹-۱- خلقت جسمانی انسان

در این آیات، خداوند به منشأ خلقت انسان از: زمین «هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ» (هود: ۶۱). خاک «وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ» (فاطر: ۳۵). طین (گل) «وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سَلَالَةٍ مِنْ طِينٍ» (مؤمنون: ۱۲). صلصال (گل خشکیده) «وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ» (حجر: ۳۳). آب «وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا» (فرقان: ۵۴) یا نطفه «وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ» (فاطر: ۳۵). اشاره می‌کند و در بعضی آیات به مراحل خلقت از ابتدا تا تولد اشاره دارد.

آیاتی که به خلقت تدریجی انسان اشاره دارد، عبارت‌اند از: «وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سَلَالَةٍ مِنْ طِينٍ * ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَكِينٍ * ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا * ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ؛ و یقیناً ما انسان را از [عصاره و] چکیده‌ای از گل آفریدیم * سپس آن را نطفه‌ای در قرارگاهی استوار [چون رحم مادر] قرار دادیم * آن گاه آن نطفه را علقه گردانیدیم، پس آن علقه را به صورت پاره‌گوشتی درآوردیم، پس آن پاره‌گوشت را استخوان‌هایی ساختیم و بر استخوان‌ها گوشت پوشانیدیم، سپس او را با آفرینشی دیگر پدید آوردیم؛ پس همیشه سودمند و بابرکت است خدا که نیکوترین آفرینندگان است *» (مؤمنون: ۱۲ تا ۱۴). «صَوَّرَكُمْ فَأَحْسَنَ صُوْرَكُمْ وَرَزَقَكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ ذَلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمْ فَتَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ؛ و شما را صورتگری کرد و صورت‌هایتان را نیکو گردانید و از چیزهای پاکیزه [ای که با طبیعت شما هماهنگ است] به شما روزی داد. این است خدا پروردگار شما، پر برکت است خدا پروردگار

جهانینان» (غافر: ۶۴).

در اینجا باید به این نکته مهم دقت داشت که خداوند بعد از توصیف مراحل خلقت انسان و اشاره به ویژگی‌های خاص خلقتش چون: راست قامتی و تعادل و تناسب، با صورتی زیبا و دلپذیر، در نهایت نظم و استحکام که امتیاز انسان به سایر موجودات زنده و انواع حیوانات است، در انتهای آیه، خود را به‌عنوان زیباترین آفریننده ستایش می‌کند. این نشان از خلقت انسان در احسن و نیکوترین وجه، توسط خداوند حکیم دارد» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۰، ص ۱۶۰).

۹-۲- خلقت روحانی انسان و دمیده شدن روح در او

در این دسته از آیات، خداوند به بیان خلقت روحانی انسان و دمیده شدن روح در جنین پس از تکوین و تکمیل مادی وی اشاره می‌کند؛ مانند آیات «ثُمَّ سَوَّيْهِ وَ نَفَخَ فِيهِ مِنْ رُوحِهِ» (سجده: ۷) یا (کهف: ۳۷)، (ص: ۷۲)، (سجده: ۹)، (حجر: ۲۹). بر طبق دسته‌بندی انجام‌شده آیات، خداوند در این دو دسته به خلقت جسمانی و روحانی انسان و چگونگی آن پرداخته و در پایان بعضی از این آیات خود را بهترین خلق‌کننده از جهت کمال آفرینش معرفی کرده است.

۹-۳- توصیف کلی خلقت انسان توسط خداوند

۹-۳-۱- خلقت به بهترین صورت

در قرآن کریم آیاتی وجود دارد که آفرینش انسان را به بهترین شکل معرفی می‌کند؛ از جمله: «الَّذِي خَلَقَكَ فَسَوَّيَكَ

فَعَدَلَكَ» (انفطار: ۷). «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ» (تین: ۴). «وَ صَوَّرَكُمُ فَأَحْسَنَ صُورَكُمُ» (غافر: ۶۴) «وَ صَوَّرَكُمُ فَأَحْسَنَ صُورَكُمُ وَ إِلَيْهِ الْمَصِيرُ» (تغابن: ۳).

۹-۳-۲- خلقت انسان با ویژگی‌های منفی

در مجموع آیات قرآن کریم، خداوند در سه آیه

ویژگی‌هایی از خلقت انسان را بیان می‌کند که بار معنایی منفی دارد. این ویژگی‌ها عبارت‌اند از: هلوع، عجول و ضعیف بودن. چنانچه خداوند در آیه ۱۹ سوره معارج می‌فرماید: «إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا، إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا، وَ إِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا» صاحب‌المیزان در توضیح «هلوع» در این آیه می‌گوید: «کلمه "هلوع" صفتی است که از مصدر "هلع" - به فتحه هاء و لام - اشتقاق یافته که به معنای شدت حرص است. پس هلوع کسی است که هنگام برخورد با نامالایمات بسیار جزع می‌کند و چون به خیری می‌رسد، از انفاق به دیگران خودداری می‌کند.

از نظر اعتبار عقلی، هلوع کسی است که تنها حریص بر خیر و نافع است، آن هم نه هر خیر و نفعی، بلکه خیر و نفعی که برای خودش و در رابطه با او خیر باشد و لازمه این حرص این است که در هنگام برخورد با شر مضطرب و متزلزل شود و این هلع به خودی خود بد نیست، وقتی بد می‌شود که انسان آن را بد کند و درست تدبیر نکند، در هر جا که پیش آمد مصرف کند، چه حق باشد و چه غیر حق و این انحراف در سایر صفات انسانی نیز هست، هر صفت نفسانی اگر در حد اعتدال نگاه داشته شود فضیلت است و اگر به طرف افراط و یا تفریط منحرف شود، رذیله و مذموم می‌شود؛ بنابراین، اگر صفت حرص را در آیات مورد بحث (که از خلقت بشر سخن می‌گوید و با در نظر گرفتن اینکه می‌خواهد حرص را مذمت کند)، به همه انسان‌ها نسبت داده، با "احسن" بودن خلقت هر چیز که آیه «الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ» از آن خبر می‌دهد، منافات ندارد، چون حرصی که منسوب به خداست، حرص بر خیر واقعی است و حرصی که صرف جمع مال و غفلت از خدا می‌شود، منسوب به خود انسان‌ها است؛ این خود انسان است که حرص خدادادی را مثل سایر نعمت‌ها به سوء اختیار و کج‌سلیقگی خود به نعمت مبدل می‌سازد» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲۰، صص ۱۸-۱۹).

ویژگی دیگر منفی انسان، عجول بودن اوست. در آیه ۳۷ انبیاء آمده است: «خُلِقَ الْإِنْسَانُ مِنْ عَجَلٍ سَأَرِيكُمْ

آیاتی فَلَا تَسْتَعْجِلُونِ». در تفسیر نمونه آمده است: «خداوند بعد از توصیف رفتار ناپسند کفار، به یکی از کارهای زشت و بی‌رویه انسان‌های بی‌بند و بار اشاره می‌کند و می‌فرماید: «انسان از عجله آفریده شده»: «خُلِقَ الْإِنْسَانُ مِنْ عَجَلٍ»، گرچه مفسران در تفسیر کلمه «انسان» و «عجل» در اینجا بیانات گوناگونی دارند، پیداست که منظور از انسان در اینجا نوع انسان است. (البته انسان‌های تربیت‌نیافته و خارج از قلمرو رهبری رهبران الهی) و منظور از «عجل» شتاب و شتاب‌زدگی است؛ همان‌گونه که آیات بعد نیز شاهد گویای این مطلب است و در جای دیگر قرآن می‌خوانیم «وَكَانَ الْإِنْسَانُ عَجُولًا» (اسراء: ۱۱). انسان، عجل است. (البته در این آیه عجل بودن منتسب به خود انسان است) درحقیقت تعبیر «خُلِقَ الْإِنْسَانُ مِنْ عَجَلٍ» یک نوع تأکید است؛ یعنی آن‌چنان انسان عجل است که گویی از «عجله» آفریده شده و تار و پود وجودش از آن تشکیل یافته است! و به‌راستی بسیاری از مردم عادی چنین هستند، هم در خیر عجل‌اند و هم در شر؛ حتی وقتی به آنها گفته می‌شود اگر آلوده کفر و گناه شوید، عذاب الهی دامتتان را می‌گیرد، می‌گویند پس چرا این عذاب زودتر نمی‌آید؟! و در پایان آیه اضافه می‌کند: عجله نکنید من آیات خود را به‌زودی به شما نشان می‌دهم: «سَأَرِيكُمْ آيَاتِي فَلَا تَسْتَعْجِلُونِ»؛ بنابراین، با توجه به سیاق آیه و پایان آنکه خداوند نهی از عجله می‌کند، مشخص می‌شود عجل‌بودن انسان به خود او بر می‌گردد؛ زیرا خداوند این عمل را تقبیح کرده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۳، ص ۴۰۹).

ویژگی سوم، ضعف انسان است؛ چنانکه خداوند در آیه ۲۸ سوره نساء می‌فرماید: «يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُخَفِّفَ عَنْكُمْ وَخُلِقَ الْإِنْسَانُ ضَعِيفًا». مفسران معتقدند: «آیه اشاره به این نکته می‌کند که "حکم سابق درباره آزادی ازدواج با کنیزان تحت شرایط معین، درحقیقت یک نوع تخفیف و توسعه محسوب می‌شود؛ زیرا انسان اصولاً موجود ضعیفی است" و در برابر طوفان غرائز گوناگون که از هر سو به او

حمله‌ور می‌شود، باید طرق مشروعی برای ارضای غرائز به او ارائه شود تا بتواند خود را از انحراف حفظ کند» (طباطبایی، ج ۴، ص ۴۴۹؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۳۵۴).

بر طبق آنچه از تفاسیر بزرگی چون المیزان بیان شد، ویژگی‌های عجل، هلوع و ضعیف بودن به سبب سوء رفتار خود انسان ایجاد می‌شود و این صفات باز هم به خود انسان بر می‌گردد؛ وگرنه خلقتش توسط خداوند به بهترین صورت و از سر لطف انجام شده است.

بنابراین، از مجموع آیات قرآن که به موضوع خلقت انسان اشاره دارد، می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که: خلقت انسان از جانب خداوند در کامل‌ترین و بهترین شکل ممکن همراه با لطف و مرحمت بوده و هر آنچه بدی و صفات ناپسند است، از جانب خود انسان و هوای نفس اوست.

نتیجه‌گیری

نتایج و یافته‌های پژوهش حاضر به شرح زیرند:

۱- پس از بررسی سیر تاریخی واژه «کَبَد» در زبان‌های عربی، عبری و تورات ثابت شد - برخلاف معنای لغوی این واژه که بیشتر لغویان و مترجمان بدون در نظر گرفتن معنای اصطلاحی آیه، به خلقت انسان در رنج و سختی و گرفتاری اشاره کرده‌اند - واژه «کَبَد» در این آیه، می‌تواند به معنای راست‌قامتی، اعتدال و تناسب اندام باشد و در متون گذشته نیز معنای شکوه و عظمت و کرامت را در خود دارد.

۲- با بیان روایات ذیل آیه مذکور از طرف حضرات معصومین، علیهم‌السلام، ثابت شد این آیه به خلقت انسان در تناسب و قوام و راست‌قامتی در دوران جنینی و زمان حیاتش اشاره دارد.

۳- با بررسی ساختاری و سیاق آیه و ارتباط آن با آیات بعد سوره بلد و با توجه به نظر مفسرین، ثابت شد واژه «کَبَد» در این آیه به خلقت انسان در «مواجهه با

سختی‌ها و مشکلات و رنج‌ها» و هم به «تناصب و راست‌قامتی و تعادل و شدت قدرت» اشاره می‌کند.

۴- ضمن تحلیل موضوعی آیات قرآن کریم درباره خلقت انسان و ارتباط آیه مذکور با این آیات، مشخص شد خلقت انسان از جانب خداوند در کامل‌ترین و بهترین صورت همراه با لطف و مرحمت به او بوده است و هر آنچه بدی و صفات منفی چون عجز، هلع و ضعف وجود دارد، از طرف خود انسان و هوای نفس اوست.

۵- خداوند در قرآن کریم کیفیت خلقت انسان را در تناصب و راست‌قامتی و تعادل و قوام (در احسن وجه) بیان فرموده است و از طرفی، هدف از خلقت او را رسیدن به کمالات و مقامات عالی‌ه اخروی بیان می‌کند و برای رسیدن به این مهم، انسان را در دنیایی مآمال از امتحانات و سختی‌های دشوار جای داده است تا با انجام اعمال صالح، او را به سعادت و خوشبختی نهایی و ابدی در آخرت برساند؛ بنابراین، رنج‌ها و سختی‌ها مربوط به خلقت تکوینی انسان نمی‌شود؛ اما می‌تواند وسیله‌ای برای رسیدن به سعادت و خوشبختی ابدی و اخروی او باشد. انسان با داشتن این نگرش نسبت به خلقت خود در زندگی استوارتر و امیدوارتر و برای رویارویی با مشکلات، آماده‌تر و مصمم‌تر خواهد شد.

۶- از مجموع نتایج مذکور این نکته به دست می‌آید که در کنار ترجمه مشهور آیه «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ» قطعاً انسان را در رنج و سختی آفریدیم»، ترجمه جامع‌تر و دقیق‌تر آن، این‌گونه پیشنهاد می‌شود: «بی‌شک ما انسان را در نهایت استواری، راست‌قامت و همراه با قدرت آفریدیم».

کتابنامه

قرآن کریم، ترجمه انصاریان، حسین. (۱۳۸۳). چاپ اول. قم: انتشارات اسوه.

ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد. (۱۴۱۹ق). تفسیر القرآن العظیم. چاپ سوم. ریاض: مکتبه نزار

مصطفی الباز.

ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۸۵). علل الشرائع. چاپ اول. قم: کتاب فروشی داوری.

ابن درید، محمد بن حسن. (۱۹۸۸). جمهره اللغه. چاپ اول. بیروت: دار العلم للملایین.

ابن سیده، علی بن اسماعیل. (۱۴۲۱ق). المحکم و المحيط الأعظم. مصحح: هندای، عبدالحمید. چاپ اول. بیروت: دار الکتب العلمیه.

ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی. (۱۳۷۹ق). مناقب آل ابی طالب علیهم السلام. چاپ اول. قم: علامه.

ابن فارس، احمد. (۱۴۰۴ق). معجم مقاییس اللغه. چاپ اول. مصحح: هارون، عبدالسلام محمد. قم: مکتب الاعلام الاسلامی.

ابن عاشور، محمد بن طاهر. (بی تا). التحریر و التنویر. چاپ اول. بیروت: موسسه التاریخ.

ابن کثیر، اسماعیل بن عمر. (۱۴۱۹ق). تفسیر القرآن العظیم. تحقیق: محمدحسین شمس‌الدین. چاپ اول. بیروت: دار الکتب العلمیه.

ابن منظور، محمد بن مکرّم. (۱۴۱۴ق). لسان العرب. چاپ سوم. بیروت: دار صادر.

ابوالفتح رازی، حسین بن علی. (۱۴۰۸ق). روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن. تحقیق: محمد جعفر یاحقی و محمد مهدی ناصح. چاپ اول. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.

ازهری، محمد بن احمد. (۱۴۲۱ق). تهذیب اللغه. چاپ اول. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

اسدی، احمد، غلامی، محبوبه، نصرتی، معصومه. (۱۳۹۵). تحلیلی بر معناشناسی واژه کبد در قرآن کریم با الهام از روش ایزوتسو. مجله مشکاة، ۱۳۱، ۷۲-۵۳.

برقی، احمد بن محمد بن خالد. (۱۳۷۱ق). المحاسن. مصحح: محدث، جلال‌الدین. چاپ دوم. قم: دار الکتب الإسلامیه.

بحرانی، سید هاشم بن سلیمان. (۱۳۷۴). البرهان فی

تفسیر القرآن. چاپ پنجم. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم.

طباطبایی، سید محمدحسین، موسوی همدانی، سید محمدباقر. (۱۳۷۴). ترجمه تفسیر المیزان. چاپ پنجم. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم.

طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. تحقیق: بلاغی، محمدجواد. چاپ سوم. تهران: انتشارات ناصر خسرو.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر. (۱۴۱۲ق). جامع البیان فی تفسیر القرآن. چاپ اول. بیروت: دار المعرفه. طنطاوی، سید محمد. (۱۴۲۲ق). التفسیر الوسیط للقرآن الکریم. چاپ اول. قاهره: دار نهضه مصر للطباعه و النشر.

طریحی، فخرالدین بن محمد. (۱۳۷۵). مجمع البحرین. مصحح: حسینی اشکوری، احمد. تهران: مرتضوی.

طوسی، محمد بن حسن. التبیان فی تفسیر القرآن. تحقیق: قصیر عاملی، احمد. چاپ اول. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

فخر رازی، محمد بن عمر. (۱۴۲۰ق). مفاتیح الغیب. چاپ سوم. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۰۹ق). کتاب العین. چاپ دوم. قم: نشر هجرت.

فراء، ابوزکریا یحیی بن زیاد. (۱۹۸۰). معانی القرآن. تحقیق: نجاتی، احمد یوسف؛ نجار، محمدعلی؛ اسماعیل شلب، عبدالفتاح. چاپ اول. مصر: دارالمصریه.

قرشی، سید علی اکبر. (۱۳۷۷). تفسیر احسن الحدیث. چاپ سوم. تهران: بنیاد بعثت.

قرشی، علی اکبر. (۱۳۷۱). قاموس قرآن. چاپ ششم. تهران: دار الکتب الاسلامیه.

قمی، علی بن ابراهیم. (۱۴۰۴ق). تفسیر القمی. محقق/مصحح: موسوی جزائری، طیب. چاپ سوم. قم: دار الکتب.

تفسیر القرآن. محقق/مصحح: قسم الدراسات الإسلامیه مؤسسه البعثه. چاپ اول. قم: مؤسسه بعثه.

بلخی، مقاتل بن سلیمان. (۱۴۲۳ق). تفسیر مقاتل بن سلیمان. تحقیق: عبد الله محمود شحاته. چاپ اول. بیروت: دار احیاء التراث.

تستری، ابومحمد سهل بن عبدالله. (۱۴۲۳ق). تفسیر التستری. تحقیق: محمد باسل عیون السود. چاپ اول. بیروت: منشورات محمدعلی بیضون/ دارالکتب العلمیه.

ثعلبی نیشابوری، ابو اسحاق احمد بن ابراهیم. (۱۴۲۲ق). الكشف و البیان عن تفسیر القرآن. تحقیق: ابومحمد بن عاشور. چاپ اول. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

حویزی، عبد علی بن جمعه. (۱۴۱۵ق). تفسیر نور الثقلین. محقق: رسولی محلاتی، هاشم. چاپ چهارم. قم: اسماعیلیان.

حییم، سلیمان. (۱۳۶۰). فرهنگ عبری - فارسی حییم. تهران: فرهنگ معاصر.

خرمشاهی، بهاءالدین. (۱۳۷۷). دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی. چاپ اول. تهران: نشر دوستان.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ق). مفردات ألفاظ القرآن. چاپ اول. بیروت: دار القلم.

۲۳-زحیلی، وهبه بن مصطفى. (۱۴۲۲ق). تفسیر الوسیط. چاپ اول. دمشق: دار الفکر.

زبیدی، محمد بن محمد مرتضی. (۱۴۱۴ق). تاج العروس. مصحح: شیری، علی. چاپ اول. بیروت: دار الفکر.

سیوطی، جلال الدین. (۱۴۱۶ق). الإیتقان فی علوم القرآن. تحقیق: سعید المندوب. چاپ اول. لبنان: دار الفکر.

-سیوطی، جلال الدین. (۱۴۰۴ق). الدر المنثور فی تفسیر المأثور. چاپ اول. قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.

صالح، بهجت عبد الواحد. (۱۹۹۸). الاعراب المفصل لکتاب الله المرتل. چاپ دوم. اردن: دار الفکر.

طباطبایی، سید محمدحسین. (۱۴۱۷ق). المیزان فی

- Muhammad. (1419 AH). Tafsir al-Qur'an al-Azeem. Third edition. Riyadh: Nazar Mustafa Albaz Library.
- Ibn Babawayh, Muhammad bin Ali. (2006). The causes of laws. First Edition. Qom: Davari book store.
- Ibn Duraid, Muhammad bin Hasan. (1988). Jamharah al-Lugha. First Edition. Beirut: Dar al-Ilm for millions.
- Ibn Saideh, Ali Ibn Ismail. (1421 AH). Al-Muhkam and Al-Muhit al-Azam. Edited by Handawi Abdul Hamid. First Edition. Beirut: Dar al-Kutub Al-Elmiya.
- Ibnshahr Ashoub Mazandarani, Muhammad bin Ali. (1379 AH). Manaqib Al Abi Talib, peace be upon them. First Edition. Qom: Allameh.
- Ibn Faris, Ahmad. (1404 AH). Dictionary of language standards. First Edition. Edited by Haroun Abdussalam Mohammad. Qom: Islamic Studies Office.
- Ibn Ashour, Muhammad Ibn Tahir. (n.d). Al-Tahrir wa Al-Tanwir. First Edition. Beirut: Institute of History.
- Ibn Kathir, Ismail Ibn Omar. (1419 AH). Tafsir al-Qur'an al-Azeem. Edited by Mohammad Hossein Shamsuddin. First Edition. Beirut: Dar al-Kutub Al-Elmiya.
- Ibn Manzoor, Muhammad bin Makram. (1414 AH). Arabic language. Third edition. Beirut: Dar Sadir.
- Abulfutouh Razi, Hossein bin Ali. (1408 AH). Rauz al-Janan and Ruh al-Janan in Tafsir al-Qur'an. Edited by Mohammad Jafar Yaheghi and Mohammad Mehdi Naseh. First Edition. Mashhad: Astan Quds Razavi Islamic Research Foundation.
- Azhari, Muhammad bin Ahmad. (1421 AH). Educating the language. First Edition. Beirut: Arab Heritage Revival Center.
- Asadi, Ahmed, Gholami, Mahbouba, Nosrati, Masoumeh. (2015). An analysis of the semantics of the word Kabid in the Holy Quran inspired by the Izutsu method. Mishkah, 131, 72-53.
- Barqi, Ahmad bin Muhammad bin Khalid. (1371 AH). Al-Mahasin. Edited by Mhaddith Jalaluddin. Second edition. Qom: Islamic Bookstore.
- Bahrani, Seyyed Hashim bin Suleiman. (1995). Al-Burhan in Tafsir al-Qur'an. Edited by the Department of Islamic Studies Al Ba'ath
- کاشانی، ملا فتح‌الله. (۱۳۳۶). تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین. چاپ سوم. تهران: کتابفروشی محمد حسن علمی.
- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق. (۱۴۰۷ق). الکافی. مصحح: غفاری، علی اکبر؛ آخوندی، محمد. چاپ چهارم. تهران: دار الکتب الإسلامیة.
- کرمانی، محمود بن حمزه. (۱۳۹۶ ق). اسرار التکرار فی القرآن. چاپ اول. قاهره: دار الفضیله.
- گرامی، غلامحسین. (۱۴۰۰). بررسی و نقد نظریه رنجمندی انسان با تأکید بر تحلیل آیه چهارم سوره بلد. دوفصلنامه علمی انسان پژوهی دینی، ۱۸ (۴۵)، ۲۹-۴۹.
- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی. (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار. محقق/مصحح: جمعی از محققان. چاپ دوم. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- مراغی، احمد بن مصطفی. تفسیر المراغی. چاپ اول. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- مصطفوی، حسن. (۱۴۳۰ق). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم. چاپ سوم. بیروت- قاهره- لندن: دار الکتب العلمیة، مرکز نشر آثار علامه مصطفوی.
- مصطفی درویش، محیی الدین بن أحمد. (۱۴۱۵ق). إعراب القرآن و بیانه. چاپ چهارم. حمص- سوریه: دار الإرشاد للشئون الجامعیة.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. چاپ اول. تهران: دار الکتب الإسلامیة.
- ویلیام گلن، هنری مرتن. (۱۳۷۹). کتاب مقدس عهد عتیق و عهد جدید. ترجمه: همدانی، فاضل خان. تهران: اساطیر.
- هاشمی رفسنجانی، اکبر. (۱۳۹۳). فرهنگ قرآن. چاپ اول. قم: بوستان کتاب.

Bibliography

- The Holy Quran. Translated by Ansariyan, Hossein. (2004). First Edition. Qom: Asweh Press.
- Ibn Abi Hatam, Abd al-Rahman bin

- Office of Qom Seminary Society of Teachers
- Tabatabayi, Sayyed Mohammad Hossein, Mousavi Hamedani, Sayyed Mohammad Bagher. (1995). Translation of Tafsir al-Mizan. Fifth Edition. Qom: Islamic Publication Office of Qom Seminary Society of Teachers.
- Tabarsi, Fazl bin Hasan. (1993). Majma al-Bayan in Tafsir al-Qur'an. Edited by Balaghi Mohammad Javad. Third edition. Tehran: Nasser Khosro Press
- Tabari, Abu Jafar Muhammad bin Jarir. (1412 AH). Jami al-Bayan in Tafsir al-Qur'an. First Edition. Beirut: Dar al-Marifa.
- Tantawi, Seyyed Mohammad. (1422 AH). Al-Tafsir al-Wasit for the Holy Qur'an. First Edition. Cairo: Dar Nihdah Misr for printing and publishing.
- Turaihi, Fakhruddin bin Mohammad. (1996). Majma al-Bahrain. Edited by Hosseini Ishkwari Ahmed. Tehran: Mortazavi.
- Tousi, Muhammad bin Hasan. (n.d) Al-Tibyan in Tafsir al-Qur'an. Edited by Qasir Aamili Ahmed. First Edition. Beirut: Arab Heritage Revival.
- Fakhr Razi, Muhammad bin Umar. (1420 AD). Secret keys. Third edition. Beirut: Arab Heritage Revival Center.
- Farahidi, Khalil bin Ahmad. (1409 AH). Kitab al-Ain. Second edition. Qom: Emigration Press.
- Farra, Abu Zakaria Yahya bin Ziyad. (1980). The meanings of the Qur'an. Edited by Nejati Ahmed Youssef; Najar, Muhammad Ali; Ismail Shalab, Abdul Fattah. First Edition. Egypt: Dar al-Misriyyah.
- Qurashi, Seyyed Ali Akbar. (1998). Tafsir Ahsan Hadith. Third edition. Tehran: Bithah Institute.
- Qurashi, Ali Akbar. (1992). Quran dictionary. Sixth edition. Tehran: Dar Kutub al-Islamiya.
- Qomi, Ali bin Ibrahim. (1404 AH). Tafsir al-Qomi. Edited by Mousavi Jazayari Tayib. Third edition. Qom: Dar Kitab.
- Kashani, Mullah Fethullah. (1957). Tafsir al-Sadiqain's method in the obligation of the opponents. Third edition. Tehran: Mohammad Hassan Elmi bookstore.
- Institute. First Edition. Qom: Ba'ath Institute.
- Balkhi, Muqatil ibn Suleiman. (1423 AH). Tafsir Muqatil ibn Suleiman. Edited by Abdullah Mahmoud Shahate. First Edition. Beirut: Dar Ihya al-Turath.
- Tustari, Abu Muhammad Sahl bin Abdullah. (1423 AH). Tafsir al-Tustari. Edited by Mohammad Basil Uyoun Al-Soud. First Edition. Beirut: Mohammad Ali Beyzoon's Press/Dar al-Kutub Al-Ilmiya.
- Tha'labi Neishabouri, Abu Ishaq Ahmed bin Ibrahim. (1422 AH). Revealing and explaining the interpretation of the Qur'an. Edited by Abu Muhammad bin Ashour. First Edition. Beirut: Revival of Arab Heritage.
- Huweizi, Abdul Ali bin Juma. (1415 AH). Tafsir Noor al-Thaghalain. Edited by Rasouli Mahallati Hashim. Fourth Edition. Qom: Ismailian.
- Haim, Suleiman. (1981). Hebrew-Persian Hayim Dictionary. Tehran: Contemporary Culture.
- Khorramshahi, Bahauddin. (1998). Encyclopedia of Quran and Quran Studies. First Edition. Tehran: Doustan Press.
- Ragheb Esfahani, Hossein bin Mohammad. (1412 AH). The vocabulary of Quranic words. First Edition. Beirut: Dar al-Qalam.
- Zahili, Wahaba bin Mustafa. (1422 AH). Tafsir al-Wasit. First Edition. Damascus: Dar al-Fikr.
- Zubaydi, Mohammad bin Mohammad Murtaza. (1414 AH). The crown of the bride. Edited by Shiri Ali. First Edition. Beirut: Dar al-Fikr.
- Suyouti, Jalaluddin. (1416 AH). Proficiency in the sciences of the Qur'an. Edited by Saeed Al-Mandoub. First Edition. Lebanon: Dar al-Fikr.
- Suyouti, Jalaluddin. (1404 AH). Al-Dur al-Manthour in Tafsir al-Mathour. First Edition. Qom: Ayatollah Marashi Najafi Library.
- Saleh, Bahjat Abdul Wahed. (1998). Al-Irab al-Mufassal for the book of Allah al-Murattal. Second edition. Jordan: Dar al-Fikr.
- Tabatabaei, Seyyed Mohammad Hossein. (1417 AH). Al-Mizan in Tafsir al-Qur'an. Fifth Edition. Qom: Islamic Publications

- Kuleini, Muhammad bin Yaqoub bin Ishaq. (1407 AH). Al-Kafi. Edited by Ghaffari Ali Akbar; Akhoundi, Mohammad. fourth edition. Tehran: Islamic Book Store.
- Kermani, Mahmoud bin Hamzah. (1396 AH). The secrets of repetition in the Qur'an. First Edition. Cairo: Dar al-Fadilah.
- Gerami, Gholam Hossein. (2021). Reviewing and criticizing the theory of human suffering with emphasis on the analysis of the fourth verse of Surah Balad. Bi-quarterly Scientific Journal of Religious Anthropology, 18 (45), 29-49.
- Majlisi, Mohammad Baqir bin Mohammad Taghi. (1403 AH). Bihar al-Anwar Edited by a group of researchers. Second edition. Beirut: Revival of Arab Heritage.
- Maraghi, Ahmed bin Mustafa. (n.d). Tafsir al-Maraghi. First Edition. Beirut: Arab Heritage Revival Center.
- Mustafavi, Hassan. (1430 AH). Investigating the words of the Holy Qur'an. Third edition. Beirut-Cairo-London: Dar al-Kutub al-Ilmiya, publishing center of Allameh Mustafavi's works.
- Mustafa Darvish, Mohyiddin bin Ahmad. (1415 AH). Irab al-Qur'an and Bayan. Fourth edition. Homs-Syria: Dar Al-Irshad for University Affairs.
- Makarem Shirazi, Nasser. (1995). Sample interpretation. First Edition. Tehran: Islamic Book Store.
- William Glenn, Henry Merton. (2000). The Bible, The Old Testament, and the New Testament. Translated by Hamedani Fazel Khan. Tehran: Asatir.
- Hashemi Rafsanjani, Akbar. (2013). Quran Dictionary. First Edition. Qom: Boustan Kitab.

